

به نام خدا





سرشناسه: شفیعی، سمیه سادات، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور: زهره حریف ماه شد: تحلیلی بر نقش
اجتماعی زنان در بهداری رزمی در جنگ تحمیلی / سمیه سادات
شفیعی؛ ویراستار عطیه سادات خدیوی.
مشخصات نشر: تهران: انتشارات از نو، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری: ۵۲۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۱۶۷۳-۰-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۵۲۶-۵۲۸.

عنوان دیگر: تحلیلی بر نقش اجتماعی زنان در بهداری رزمی در
جنگ تحمیلی.

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- زنان -- خاطرات

Women -- Diarries -- ۱۹۸۸-۱۹۸۰, Iran-Iraq War

جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- امدادرسانی

War work -- ۱۹۸۸-۱۹۸۰, Iran-Iraq War

جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- مشارکت زنان

Participation, Female -- ۱۹۸۸-۱۹۸۰, Iran-Iraq War

پرستاران -- ایران -- خاطرات

Nurses -- Iran -- Diaries

رده بندی کنگره: DSR۱۶۲۸

رده بندی دیویی: ۸۴۳۰۹۲۲/۹۵۵

شماره کتاب شناسی ملی: ۹۶۶۰۳۳۲

اطلاعات رکورد کتاب شناسی: فیپا

زهره حریف ماه شد

تحلیلی بر نقش اجتماعی زنان در بهداری رزمی در جنگ تحمیلی

سمیه سادات شفیعی

(عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

ویراستار: عطیه سادات خدیوی

طراح جلد: محمد نیکوئیان

چاپ: کهن



چاپ دوم

زمستان ۱۴۰۳

۵۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۱۶۷۳-۰-۴

موسسه بهداری رزمی دفاع مقدس و مقاومت

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ملاصدرا، خیابان شیخ بهایی

جنوبی، جنب مسجد جامع بقیة الله، واحد دوم شمالی

شماره تماس: ۰۲۱-۸۸۶۰۶۷۲۸

عکس روی جلد: آبادان، بیمارستان طالقانی | خردادماه ۱۳۶۱

انتقال مجروحین عملیات بیت المقدس به مراکز درمانی

شهرهای امن، پس از مداوای اولیه.

عکس از: آرشیو انجمن عکاسان انقلاب و دفاع مقدس |

احمد علیزاده نوحی

بی‌گاه شد بی‌گاه شد خورشید اندر چاه شد
خیزید ای خوش‌طالعان وقت طلوع ماه شد
ساقی به سوی جام رو ای پاسبان بر بام رو
ای جانِ بی‌آرام رو کان یار خلوت‌خواه شد
اشکی که چشم افروختی صبری که خرمن سوختی
عقلی که راه آموختی در نیم‌شب گمراه شد
شب روح‌ها واصل شود مقصودها حاصل شود
چون روز روشن دل شود هر کو ز شب آگاه شد
در چاه شب غافل مشو در دلو گردون دست زن
یوسف گرفت آن دلو را از چاه سوی جاه شد
در تیره شب چون مصطفی می‌رو طلب می‌کن صفا
کان شه ز معراج شبی بی‌مثل و بی‌اشباه شد
گر بوبری زان روشنی آتش به خواب اندر زنی
کز شب‌روی و بندگی زهره حریف ماه شد



در دوران مبارزات انقلاب اسلامی و نیز جنگ عراق-ایران
حدود ۲۱۰۰ نوجوان ۱۱ تا ۱۵ ساله
مشتاقانه به میدان مبارزه و دفاع از وطن شتافتند و به شهادت رسیدند.

با عشق به فرزندانم نگار و نیکان
این اثر تقدیم می شود به
مادران و پدران این نوردیدگان غیور

فهرست

۱۱ | مقدمه

۱۷ | فصل اول: کلیات

۱۹ | بیان مسئله

۲۵ | پرسش‌ها و هدف پژوهش

۲۷ | روش‌شناسی

۳۰ | سیمای پاسخگویان

۳۱ | ملاحظات اخلاقی تحقیق

۳۳ | فصل دوم: تأملات نظری مفهومی

۳۵ | نقش اجتماعی

۳۷ | کلیشه‌های جنسیتی

۳۸ | بار مضاعف ایفای نقش‌های شغلی و خانوادگی

۳۹ | رویکرد جامعه‌شناسانه به سازمان

۴۵ | فصل سوم: یافته‌ها

۴۷ | بخش اول: مواجهه با ترومای جنگ

۴۷ | پیروزی انقلاب اسلامی

۵۰ | امداد و انتقال پیش از جنگ در جنوب

۵۰ | امداد و انتقال پیش از جنگ در غرب

۵۲ | وقوع جنگ تحمیلی

۵۲ | ایام آغازین جنگ در خرمشهر و آبادان

۶۰ | ایام آغازین جنگ در غرب

۶۲ | شکل‌گیری ستاد امداد و درمان

۶۲ | ستاد مجروحان و مصدومان جنگی

۷۵ | توزیع دارو

۷۷ | بخش دوم: کنشگران زن در بهداری رزمی؛ ویژگی‌ها

۷۷ | زنان کادر امداد و درمان

۷۸ | عناوین شغلی

۹۰ | سرمایه فرهنگی؛ تحصیلات زنان کادر امداد و درمان

۱۱۳ | سرمایه اجتماعی؛ تعهد به انجام کار

۱۳۳ | بخش سوم: کنشگران زن در بهداری رزمی؛ کردوکارها

۱۳۶ | فعالیت‌های امدادی درمانی زنان در بهداری رزمی

۱۳۷ | فعالیت‌های امدادی درمانی زنان در واحدهای مستقر بهداری رزمی

۱۵۶ | زنان و اهتمام به مقولات خاص امداد و درمان

۱۶۳ | فعالیت‌های امداد و انتقال زنان در ترابری مجروحان

۱۷۹ | محل فعالیت کادر امداد و درمان زن

۱۹۳ | نوع مجروحیت‌ها

۲۳۷ | فعالیت‌های تکمیلی زنان پرستار-امدادگر

۲۸۷ | مشارکت اجتماعی زنان بهداری رزمی در کمک‌رسانی به جبهه

۲۹۴ | زنان بهداری رزمی و حیات بخشی

۳۲۲ | بخش چهارم: بهداری رزمی به مثابه میدان عمل؛ وضعیت‌شناسی

۳۲۲ | دارو و تجهیزات امداد و درمان، اقلام مصرفی

۳۳۲ | تخصصی بودن بیمارستان‌ها

۳۳۳ | وضعیت امداد و درمان؛ نمایی کلی، ابعادی ناگفته

۳۴۶ | وضعیت محیطی

۳۶۵ | فضای مسلط بر بیمارستان‌ها و مراکز درمانی

۳۷۹ | چالش‌های پرستاران و امدادگران زن

۴۹۵ | فصل چهارم: نتیجه‌گیری

۵۱۹ | منابع



◀ مقدمه

یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و خط‌مشی‌گذاری مخاطب‌محور در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دستیابی به اطلاعات واقعی، جامع و روشن از وضعیت، روند تغییرات، نیازها و مطالبات جامعه هدف است که بتواند تا اندازه زیادی تصویری فارغ از سوگیری به متصدیان و متولیان ارائه دهد. فقدان شناخت کافی از جامعه و گروه‌های هدف در دوره‌بندی‌های تاریخی از مهم‌ترین چالش‌ها بر سر راه سیاست‌گذاران و مجریان در شناسایی اولویت‌ها و اقدام به موقع است. در سوی دیگر شناخت ناقص و عدم اطلاع از چگونگی، سیر تحول و ابعاد پیدا و پنهان یک موضوع می‌تواند ارزیابی‌های جانب‌دارانه را موجب شود، امری پیش‌پاافتاده را به اولویت مقدم و الساعة مردم بدل سازد، تصورات قالبی را دامن بزند و افکار عمومی را در گردباد جریان‌سازی‌های نیت‌مندانه در خود کشد. این تنها آگاهی راستین و برآمده از دل واقعیت‌هاست که به جوانب‌گوناگون امر شفافیت می‌بخشد و

آن را به پشتوانه روایت سوپزکتیو عینیت‌ها مبنای عمل از سوی دولت-ملت می‌سازد. موضوع چیستی و چگونگی ماهیت نقش زنان در جامعه ما از جمله موضوعاتی است که نگاهی منصفانه، واقعی و تاریخمند را طلب می‌کند تا در تلازم با تحولات مدرن شدن جامعه و در کشاکش تغییرات اجتماعی قرن حاضر، چهره‌ای از زن ایرانی مسلمان برکشد که در امتزاج با واقعیت‌های پُرتب‌وتاب سیاسی-اجتماعی این مرزوبوم بوده؛ انگیزه، شور و اشتیاق و استقامت زنان به مثابه کنشگران در عرصه را به رسمیت شناسد. با وجود کثرت علاقه‌مندان به مطالعات زنان، برگزاری دوره‌های آموزشی در سطوح تحصیلات تکمیلی، تألیف کتب و اجرای پژوهش از یک سو و از سوی دیگر نیز بیش از یک سده کارگزاری ایشان در حوزه عمومی، همچنان موضوع تکاپوها و کردوکارهایشان پیش‌پاافتاده یا بدیهی و در عین حال به شکل تأسف باری ناشناخته به نظر می‌رسد. این امر به‌ویژه درباره دوره‌های تاریخی متأخر و از جمله دهه‌های گذشته نیز صادق است و با وجود مطالعات جسته‌گریخته، همچنان تولید گزاره‌های نظری، ارائه تحلیل‌ها بر اساس قرائن مستند و به شیوه‌های نظام‌مند مبتنی بر داده‌های میدانی کمتر وجه همت مؤلفان و پژوهشگران قرار گرفته است. نوشته‌های احساسی و مطالب تکراری با ذکر کلیدواژه‌های مشخص بسیار بیشتر از متون علمی فراگیر شده و پاسخ‌های آماده، اذهان را از جست‌وجوهای بیشتر بازمی‌دارد. یکی از مهم‌ترین این دوره‌ها دهه ۶۰ خورشیدی و مصادف با استقرار نظام نوپای جمهوری اسلامی، حرکات تجزیه‌طلبانه و ناآرامی‌های داخلی و نیز حمله نظامی عراق به ایران و تداوم هشت‌ساله جنگ است.

اقتشار و گروه‌های زنان به عنوان کنشگران اجتماعی مترصد به اشکال متفاوتی این دوران را زیسته و به نحوی از انحا این فرصت فراخ را که در پی انقلاب و جنگ بر روی آنان گشوده شد تجربه کردند. امروزه و با گذشت ایام تنها با موضوعات عامی چون زنان در انقلاب اسلامی یا دفاع مقدس، گستره حضور و کنشگری آنان و نیز روایت‌های متنوعشان ذیل صورت‌بندی خاصی در پرداخت‌های کوتاه و مختصر و غالباً به

صورت مناسبی در سالگرد آغاز جنگ تحمیلی بیان و چه بسا وجهی شعارگونه یافته است. حال آنکه زنان ایران در این مقطع و در مواجهه با یورش دشمنان، در مواجهه با مخاطرات و نیز در هنگامه دشواری‌ها و مضیقه‌های زندگی در وضعیت جنگی، صحنه‌های بی‌مانند مقاومت و پایداری را آفریدند و از بذل هرآنچه در توان داشتند در راه حفظ ارزش‌های اسلامی و نیز صیانت از وطن و ابناء آن فروگذار نکردند. خوشبختانه کنشگران این نسل زنده و نیز به عنوان شاهدان عینی خود توان بیان ماقوع را دارند. از این رو است که نگارنده از سال‌های گذشته کوشیده تا از یک سو با اعتباربخشی به روایت زیسته زنان و گردآوری و تحلیل روشمند داده‌ها و از سوی دیگر ترغیب و تشویق دانشجویان، اساتید و مجریان امر به همکاری، موضوع تولید دانش بومی علوم اجتماعی و مطالعات جامعه‌شناختی زنان را در سطح آکادمیک مطرح و با سماجت دنبال کند. کتاب حاضر حاصل این دست‌رایزی‌هاست و کوشیده تا در جریان تعامل سازنده با مؤسسه «بهداری رزمی دفاع مقدس و مقاومت» به عنوان مؤسسه‌ای پژوهشی فرهنگی مرتبط و نیز «وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» تا اندازه‌ای ممکن به موضوع نقش و حضور زنان در بهداشت رزمی نزدیک و شناختی از لایه‌های متکثر موضوع به دست دهد. با این همه همچون هر اثر پژوهشی دیگری نیازمند خوانش منتقدانه و بی‌پرواست تا از رهگذر بررسی، سنجش و ارجاع علاقه‌مندان و متخصصان مرتبط، شالوده‌ای علمی برای مطالعات آتی باشد.

اذعان دارم تحلیل وضعیت زنان در تاریخ اجتماعی معاصر ایران همواره، از علاقمندی‌های حرفه‌ای‌ام بوده است. چنانکه موضوع را در مقالات علمی مختلف پی گرفته و از جمله در کتاب بیستون عشق؛ تحلیلی بر مشارکت اجتماعی زنان در کمک‌رسانی به جبهه‌ها در جنگ عراق-ایران، به تحلیل جامعه‌شناختی کنشگری زنان در این مقطع حساس تاریخی پرداخته‌ام. در حقیقت احصاء روایت زنان فعال در پشتیبانی جبهه‌ها از طریق مصاحبه‌های میدانی و نیز گردآوری اسناد مرتبط، علاوه بر معرفی ابعاد و ماهیت و نوع فعالیت جاری در سازمان کار کمک‌رسانی، شناخت

ساحت‌هایی از حیات فرهنگی اجتماعی گروه بزرگی از زنان را در این اثر پژوهشی میسر ساخته است.

خداوند را شاکرم که ذیل الطاف خاصه‌اش همچنان امیدوارانه چشم به آینده روشن زنان در ایران دارم و در مسیر تولید دانش بومی مرتبط، به تحقیق و مطالعه می‌پردازم. در اینجا لازم می‌بینم تا از جناب آقای قادری از مؤسسه بهداری رزمی دفاع مقدس و مقاومت که با راهنمایی‌ها و پیگیری‌های مشفقانه خود، در اجرای پژوهش کمک بزرگی بودند تشکر کنم. از آشنایی و دوستی با سرکار خانم دکتر ویدا کاظمی و حسن خلغشان در بررسی طرح به عنوان ناظر داخلی خوشحالم. در این مسیر آشنایی با دوست صاحب‌قدم سرکار خانم صدیقه حاج‌هاشمی را رزق الهی می‌دانم. ایشان به عنوان استاد پیشکسوت رشته پرستاری دانشگاه اهواز چه در معرفی همکاران خود و چه در مطالعه اثر، ارائه مشاوره در خصوص ترمینولوژی لغات و اصطلاحات و صحت سنجی ادعاها فروگذار نکردند و با سعه صدر و صبر مثال‌زدنی تماس‌های مکرر مرا پاسخگو بودند. همچنین از همسر نیک‌اندیشم به خاطر حمایت‌های بی‌دریغش سپاسگزارم.

انجام پژوهش‌هایی از این دست به هیچ وجه آسان نیست. حوصله، علاقه و تمرکزی می‌طلبد که با روال برخی آثار زودبازده هماهنگ نیست، هم‌ذات‌پنداری را ایجاد می‌کند که پژوهشگر را از کون و مکان فارغ سازد و او را در شرایط بازگوشده راویان بیفکند، به طوری که از دریچه نگاهشان به موضوع و زمانه بنگرد. با این همه شوق انجام پژوهش در این زمینه از سال‌های گذشته مرا مصمم و امیدوار به ادامه مسیر واداشته است. بی‌شک نظرات، انتقادات و بازخورد خوانندگان، تشویقی بر این استمرار خواهد بود.

سمیه سادات شفیعی

جامعه‌شناس و عضو هیئت علمی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



« بیان مسئله

جنگ در معنای عام کلمه با تاریخ بشر پیوند خورده و از این لحاظ بخشی از سرنوشت سازترین برهه‌های حیات جوامع را رقم زده است. یادآوری جنگ با ماهیت نابودگر و تخریب‌عموماً غیرقابل‌بازگشت سرمایه‌ها و منابع، بیش از هرچیز با مجموعه مفاهیم سلبی تداعی می‌شود؛ اما در عین حال به جهت پیچیدگی و ابعاد وسیعش، نمی‌توان در بررسی‌ها از پیامدهای گسترده آنکه خود موجب تحولات بنیادین و تغییرات کم‌سابقه است چشم پوشید.

جنگ هشت‌ساله عراق-ایران به جهت تداوم و نیز کاربرد سلاح‌های مکانیزه و برخی ویژگی‌های نظامی، از منظر مطالعات جنگ، موردی خاص و حائز اهمیت است؛ اما این موضوع به جهت ابعاد متکثر خود و نیز تأثیری که بر حیات آحاد کشور و حتی نسل‌های بعد داشته، باید با رویکردهای مختلف علمی به بحث و بررسی گذاشته شود. یکی از مهم‌ترین موضوعات این دست بررسی‌ها، توجه و واکاوی

نقش کنشگران جنگ در سطوح مختلف است. رزمندگان، امدادگران، جهادگران، سیاست‌گذاران، متصدیان، پزشکان، پرستاران، معلمان، بازاریان و غیره، همه و همه از جمله گروه‌هایی هستند که با ایفای نقش خود سهم بسزایی در تحکیم مواضع نظامی جمهوری اسلامی ایران در دوران جنگ تحمیلی داشته‌اند. با این همه درباره حضور و فعالیت آن‌ها از جوانب مختلف از جمله انگیزه‌ها، میزان، چگونگی، پیامدها و مواردی از این دست مطالعات زیادی انجام نشده است. مجموعه عناوین شغلی که در بخش بهداری رزمی فعالیت داشتند یکی از مهم‌ترین این گروه‌ها هستند که ناشناخته باقی مانده‌اند. تلاش مؤسسه بهداری رزمی دفاع مقدس و مقاومت نیز از بدو تأسیس متوجه بررسی حضور و نقش‌آفرینی کنشگران مربوطه در عرصه بهداشت، درمان، امداد و نیز آموزش این موارد بوده است، نقشی حیاتی که عمیقاً بر حفظ سلامت و بقای نیروهای ایرانی درگیر در جنگ، چه در قالب پرسنل نظامی و رزمندگان داوطلب، چه بر مردم غیرنظامی در معرض آسیب‌های جنگ تأثیرگذار بوده است. با وجود این نقش‌آفرینی، امروز و با گذشت ایام و به دلایل مختلف، این سوابق درخشان به فراموشی سپرده شده یا کمتر نشانی از اهمیت کار تخصصی آنان در قبال وطن و فرزندان آن به جا مانده است. فعالیت‌هایی که برآمده از التزام قلبی آنان بود و در پرتوی ارزش‌های جامعه پساانقلابی، اخلاق کاری بی‌بدیلی آفرید، گویای تعهدات والای ارزشی و درک ضرورت‌ها و مقتضیات زمانه و همچنین شوق وافر به خدمت‌رسانی در بالاترین سطح ممکن در آن برهه حساس از حیات میهن بوده است. تلاش و تکاپوی آنان در رسیدگی به امور مجروحان و نیز بیماران عادی به استناد اسناد، به مراتب بیش از ظرفیت‌های نوعی بشر بوده و از این جهت نگاه روشمند علمی جهت ثبت و ضبط وقایع، انتقال تجارب، واکاوی و ارائه تحلیل‌های معتبر آتی را از سوی نهاد علم چه در قالب طرح‌های پژوهشی و چه رسائل دانشگاهی می‌طلبد.

عموماً با یادآوری جنگ وجه فاجعه‌بار آن مطرح و خسارات انسانی و فیزیکی‌اش به اذهان متبادر می‌شود؛ مواردی چون شهادت تعداد کثیری از هم‌وطنان در قالب

نیروهای نظامی و غیرنظامی، تخریب مناطق مسکونی در شهرها و روستاها، اسارت، آسیب دیدگی و ضایعات بعضاً غیرقابل بازگشت جسمی نیروهای نظامی و غیرنظامی. حال آنکه بخش قابل توجهی از مباحث از جمله پویایی کنشگران در مصائب جمعی ناگفته مانده است. لذا هرچند جنگ پدیده‌ای شوم و خانمان سوز است که تجارب تلخی را در هر سوی متخاصم به جای می‌گذارد و سرنوشت انسان‌ها را غالباً برای همه عمر تغییر می‌دهد، اما در عین حال در خلال تغییرات حاصله، ظرفیت‌هایی برای بروز در جهت حفظ حیات و در قالب مشارکت در دفاع، مقاومت و پشتیبانی نیز دارد. بنابراین وقایعی مانند جنگ عراق و ایران نه تنها به خاطر مباحث نظامی و تأثیرات سیاسی و دیپلماتیک خود واجد اهمیت است، بلکه تأثیرات قطعی آن در شکل‌دهی به زندگی اجتماعی-فرهنگی کنشگران درگیر آن و نیز تحولات زمینه‌های تکنیکی-تخصصی بسیار قابل تأمل است.

زنان از مهم‌ترین و عمده‌ترین کنشگران بهداری رزمی در جریان جنگ تحمیلی بوده‌اند.^۱ آنان در کسوت امدادگر، پزشک، پرستار، بهیار و سایر عناوین تخصصی کادر بیمارستانی در مقاطع مختلف جنگ و در مناطق گوناگون به خدمت‌رسانی به نیروهای درگیر در جنگ پرداخته‌اند. مطالعه تجارب زنان از جمله مطالعات معاصر است که در چند دهه اخیر مورد توجه پژوهشگران مستقل و نیز دانشگاهی قرار گرفته است. این تجارب حاوی مجموعه مواجهات زنان در زندگی روزمره در جریان عهده‌داری نقش‌های مختلف اجتماعی در حوزه عمومی و خصوصی است که در خلال تجربه زیسته در ذهن کنشگران نضج یافته است. توجه به تجربه زیسته در این معنا، حاصل چرخش نگاه هستی‌شناسانه و نیز روش‌شناسانه به انسان و اهمیت یافتن ذهن در برابر عین و امدار این واقعیت است که زیست جهان‌ها متکثر شده‌اند. این نگاه به روابط اجتماعی و میان ذهنیت‌ها اهمیت می‌دهد و لذا تعابیر کلیدی چون ابهام‌های

۱. طبق اظهارات مسئول بسیج جامعه پزشکی، حدود ۱۰ درصد از نیروهای اعزامی به جبهه‌های جنگ تحمیلی از جامعه پزشکی بودند و در مجموع حدود ۲۳ هزار نفر از بسیج جامعه پزشکی شامل پزشکان، پیراپزشکان، پرستاران و امدادگران به جبهه‌ها عزیمت کردند که شمار قابل توجهی از آنان را خواهران تشکیل می‌دادند (جدیدی، ۱۳۸۶، به نقل از فیروزکوهی، ۱۳۹۱: ۱۰۷).

تازه، فردی شدن شیوه‌های زیست و الگوهای زندگی را برجسته می‌سازد (فلیک، ۱۳۸۸: ۱۳). در نتیجه برای مطالعه زمینه‌ها و بافت‌های اجتماعی به جای شروع پژوهش از نظریه‌ها و آزمون آن‌ها، به مفاهیم حساسیت‌برانگیز نیاز است. در اینجا گزاره‌های نظری بر اساس مطالعه تجربی تجارب اظهارشده کنشگران شکل می‌گیرد. زندگی روزمره در کانون اصلی برنامه‌های مطالعاتی قرار می‌گیرد و مطالعه معانی ذهنی و اعمال و تجربه‌های روزمره به اندازه تأمل در روایت‌ها ضرورت می‌یابد.

بر این اساس، تجارب زنان که خصوصاً در جامعه ما به طور متمادی شرایط فرودستی را پشت سر گذاشته‌اند؛ نه در حاشیه، بلکه در متن پژوهش قرار گرفته‌اند؛ اهمیت اطلاعاتی افزونی می‌یابد. این امر به ویژه در بزنگاه‌هایی که آنان توانسته‌اند با بهره‌گیری از فرصت‌ها، به اتکای توانمندی‌ها و استعداد‌های خود و بر حسب علایق و تمایلات در مقام کنشگرانی خلاق و آگاه برای دفاع از شأن، انگیزه‌های متعالی و هویت انسانی خود به پا خیزند، روابط اجتماعی تحمیل شده و انگاره‌های از پیش موجود جنسیتی را به چالش کشیده و کنش خود را در چهارچوب فرصت‌های پیش رو در شکلی فعالانه سامان بخشند، اهمیت مضاعفی می‌یابد.

در این میان زنان در بهداری رزمی با عهده‌داری نقش‌های خانوادگی هم به حفظ خانواده و تحکیم آن نظر داشته و هم مسئولیت‌های سنگین شغلی در هنگام حساس بحران را بر عهده داشتند. اکثر خاطرات منتشر و بیان شده، پژوهش‌های اندک به‌ثمررسیده و مطالعات جسته‌گریخته، روایت‌های مردانه کادر امداد، بهداشت و درمان از میدان نبرد و فعالیت در جبهه‌ها یا بیمارستان‌های صحرایی و بیمارستان‌های عقبه جبهه است و به روابط میان فردی، انگیزه حضور، توصیف وضعیت مجروحیت جنگی، مهارت‌ها و توانمندی کنشگران بهداری رزمی در مواجهه با مجروحان در شرایط اضطراری و محدودیت امکانات می‌پردازد. در این معنا اساساً جنگ به عنوان پدیده‌ای مردانه تلقی و به نقش زنان در آن توجهی نشده یا کمتر مورد توجه قرار گرفته است. حال آنکه زنان به جهت ویژگی‌های نقشی، رفتاری

متفاوت از مردان در مواجهه با موارد داشته و بر حسب شرایط، رویه‌های متمایزی را در پیش گرفته و با ابتکار عمل و پشتکار توانسته‌اند متعهدانه و دل‌سوزانه هم به وظایف حرفه‌ای و هم وظایف اجتماعی خود در خانواده رسیدگی کنند. کنش‌های متفاوت و بعضاً جسورانه آنان در مواجهه با صحنه‌های اضطراری، ارائه ظرفیت‌های مافوق تصور و صبوری بر دردها و تألمات جان‌کاه جنگ از مواردی است که توجه بیش از پیش به ابعاد حضور زنان در بهداری رزمی را می‌طلبد. نکته مهم آنکه اندک خاطرات انتشاریافته زنان نیز دست‌مایه مطالعات منظم قرار نگرفته و با وجود برخورداری از ظرفیت‌ها و دقایق بسیار، موضوع بحث و نظر در محافل تخصصی و دانشگاهی نبوده و آن حجم سترگ از واقعیت‌ها را به گفتارهایی داستان‌وار تقلیل داده است. حال آنکه واکاوی مباحث انتشاریافته می‌توانست در شکل‌گیری متون تخصصی و تولید دانش بومی میان‌رشته‌ای مؤثر افتاده و حداقل به فربگی مطالعات زنان و نیز مطالعات اجتماعی طب نظامی بینجامد. توجه به این قبیل مجموعه‌های انتشاریافته علاوه بر این می‌توانست در ترغیب زنان بهداری رزمی برای یادآوری خاطرات و بیان مآو‌ق مؤثر افتد؛ زنانی که به اقتضای فضای ایجادشده، سهم بسزایی در امدادگری، آموزش امداد، درمان، مراقبت و پرستاری و در نتیجه حفظ و تأمین سلامت و بهداشت نیروهای ایرانی در مناطق جنگی و نیز مناطق غیرنظامی جنگ شهرها داشتند و از این نظر با توجه به وضعیت جنگی، مضیق‌ها، کمبودها، معضلات اقتصادی و نیز بحران‌های اجتماعی؛ در حرکتی آگاهانه، پرمخاطره و مسئولیت‌آوری شرکت جستند که برای حفظ حیات در جامعه بحران‌زده ضروری محسوب می‌شد.

«بررسی حضور زنان فعال در بهداری رزمی در دوران جنگ تحمیلی که شامل همسران، مادران، خواهران و دختران این سرزمین بوده و نقش مهمی در حفظ جان و جلوگیری از تشدید جراحات و آسیب‌های جسمی و روانی مجروحان نظامی و غیرنظامی ایران ایفا کرده و به ندرت دیده شده‌اند» موضوع اثر پژوهشی حاضر است. علی‌رغم حضور گسترده، علاقه وافر قلبی به کشور و ارکان آن و تعداد کثیرشان،

نقش حرفه‌ای و اجتماعی آنان کمتر موضوع بحث و نظر قرار گرفته است. خود نیز برای پرهیز از ریا و به جهت خضوع و افتادگی در برابر مقام شامخ شهدا، ایثارگران و خانواده‌هایشان، دل‌زدگی‌ها و نامرادی‌های سال‌های پس از جنگ و نیز مشکلات جسمی و روحی ناشی از سختی کار و مواردی از این قبیل، سخنی از آنچه بر آنان گذشت نگفتند و امروزه نیز جز به دعوت مصرانه برای شرکت در مصاحبه یا بر اثر حزن به فراموشی سپرده شدن، همچنان زبان به سخن نمی‌گشایند. اصرار محقق بر انجام این پژوهش و متقاعدسازی اولیای امر از یک سو و اطلاع‌رسانان از سوی دیگر برای مساعدت در انجام پژوهش به علاقه‌مندی و دغدغه‌های فردی بازمی‌گردد. زیرا مؤلف به عنوان پژوهشگری مستقل در حوزه زنان خود را متعهد به شناخت وضعیت و کنش زنان و تولید دانش بومی می‌داند که برخاسته از عینیت حضور زنان در برهه‌ها و مقاطع مختلف است. بهداری رزمی در معنای عام سازمانی دارای بالاترین سطح از توانمندی در بهداشت، امداد، احیا، انتقال، تریاژ و درمان مجروحان، مصدومان و بیماران جنگ‌های متعارف و غیرمتعارف و بحران‌ها در کوتاه‌ترین زمان ممکن بوده و دارای قابلیت واکنش سریع و حضور به موقع و فعال و مؤثر در حوادث غیرمترقبه است. هدف بهداری رزمی در جنگ و بحران‌ها کاهش صدمات و تلفات انسانی، کاهش ضایعات جسمی و روحی و به حداقل رساندن خدمات و نیز بازتوانی جهت عودت به خطوط رزمندگان و به طور کلی امداد و درمان و انتقال مؤثر و سریع و اولویت قرار دادن بهداشت و پیشگیری از حوادث است.

کنشگران بهداری رزمی در جریان جنگ تحمیلی علاوه بر کادر بهداشت و درمان نیروهای مسلح ارتش، سپاه و بسیج، شامل کادر وزارت بهداری، وزارت آموزش عالی (با تحت پوشش داشتن دانشگاه‌های علوم پزشکی)، هلال احمر، سازمان انتقال خون، ناجا (اعم از ژاندارمری، شهربانی و کمیته انقلاب اسلامی)، سازمان تأمین اجتماعی، سازمان نظام پزشکی، جهاد سازندگی، راه آهن و نیز بخش خصوصی بودند که در شهرهای جنگی و مناطق نزدیک به خطوط درگیری و نیز واحدهای درمانی

اختصاص یافته به مجروحان و مصدومان در سایر شهرها به ارائه خدمات امدادی، پرستاری و درمانی می‌پرداختند. در این پژوهش علاوه بر کادر شاغل در مجموع این واحدهای ستادی و صنفی، کنشگرانی که به فعالیت داوطلبانه در مراکز مرتبط در جهت نیل به اهداف و مأموریت‌های سازمانی واحدهای بهداری رزمی مشغول به کار بودند نیز لحاظ شده و در مجموع کادر در نظر گرفته شده‌اند. از این نظر تحقیق حاضر به قصد بررسی واقعیت‌های تجربه شده از سوی زنان فعال در عرصه بهداری رزمی در جریان جنگ تحمیلی و مراحل مختلف آن از مقاومت خرمشهر و آبادان گرفته تا انتقال مجروحین به مراکز استانی در مقاطع مختلف جنگ و نقش آنان در امداد، درمان، مراقبت، تأمین و حفظ بهداشت و سلامت عوامل انسانی درگیر در جنگ تحمیلی انجام شده است.

◀ پرسش‌ها و هدف پژوهش

براین اساس اثر پژوهشی حاضر به سؤالات اصلی زیر پاسخ‌های روشن و مستندی داده است:

- زنان فعال در بهداری رزمی در دوران جنگ چه نقش‌های اجتماعی‌ای ایفا می‌کردند؟

- آیا می‌توان سنخ‌شناسی‌ای از این نقش‌ها به دست داد؟

- کنشگری زنان در عرصه بهداری رزمی در جریان جنگ تحمیلی چگونه بوده و

چه ابعادی داشته است؟

- روایت زنان از فعالیت امدادگری در جنگ تحمیلی چیست؟

- روایت زنان از فعالیت پرستاری در جنگ تحمیلی چیست؟

- تجربه زیسته زنان از زندگی و فعالیت در شرایط جنگی چیست؟

- فعالیت‌های جانبی این زنان در حمایت و پشتیبانی از جبهه‌ها چه بوده است؟

همچنین باید گفت کم‌اهمیت دانستن، نادیده انگاشتن و فراموش کردن نقش

تخصصی-اجتماعی زنان در بهداری رزمی و در جریان امداد، درمان، تأمین و حفظ سلامت نیروهای ایرانی و غیرنظامیان در مناطق جنگی و در جریان جنگ شهرها از اصلی‌ترین عواملی است که بررسی این موضوع را پراهمیت و لازم می‌سازد. به علاوه علاقه محقق به ارزش‌های فرهنگ ایرانی-اسلامی که به گواه تاریخ در هنگامه مصائب جمعی شاهکارهای بی‌سابقه‌ای را آفریده و مع‌الاسف به‌ویژه برای نسل‌های بعدی مغفول و مجهول مانده و نیز اهمیت مطالعات نظری و عملی موضوع حیات اجتماعی زنان با توجه به فقدان دانش و پژوهش بومی خصوصاً در این زمینه از جمله ضرورت‌های انجام این تحقیق بوده است. خصوصاً آنکه با افزایش سن و بروز پاندمی کرونا بسیاری از فعالان مذکور در معرض ابتلا قرار داشته و تأخیر در بررسی و پژوهش به بهای از دست رفتن چنین کنشگرانی تمام شده است.

حال و هوای جامعه ایران در دهه‌های پس از جنگ، شناخت کمتر نسل جوان از ماهیت و ابعاد این موضوع به عنوان یک واقعیت اجتماعی که برای دوره‌های متمادی تأثیرات خود را بر زندگی ایرانیان داشته و خواهد داشت و تمایل وافر به طرح ارزش‌های دوران جنگ مبتنی بر رویکردی فعالانه که مجال هم‌افزایی ظرفیت‌ها و پتانسیل‌ها را میسر ساخته و خروجی‌های مدون و قابل نقدی را تحقق بخشد، محقق را مصمم ساخت تا به عنوان تکمله‌ای بر روایت‌های جنگ، روایت‌های انتشار یافته و شفاهی زنان فعال در بخش امداد، آموزش امداد، بهداشت و درمان در جنگ عراق-ایران را معتبر دانسته و با وزن‌دهی به تکاپوی آنان، به بررسی روشمند این مجموعه بپردازد.

هدف از انجام این مهم پرداختن به اهمیت نقش اجتماعی زنان در برهه‌های مهم تاریخ ایران معاصر و ایجاد حساسیت نسبت به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های آنان است که از طریق تحقیق درباره زنان دارای جایگاه حرفه‌ای در حوزه عمومی در بخش بهداری رزمی در جریان جنگ تحمیلی میسر شده است. همچنین تحقیق در پی احصای روایت زنان از تجربه مواجهه و حضورشان در شرایط اضطراری و مصائب جمعی جنگ نیز است و از این لحاظ دستاوردهایی برای مطالعات میان‌رشته‌ای از جمله مددکاری

اجتماعی در بحران و نیز جامعه‌شناسی مصائب جمعی دارد. همچنین احصای سنخ‌شناسی از انواع نقش‌های تخصصی-اجتماعی آنان، از اهداف فرعی طرح است که در مجموع ظرفیت‌های انسانی این گروه اجتماعی را در جنگ نشان می‌دهد.

◀ روش‌شناسی

از نظر روش‌شناسی مطالعه حاضر از روش‌های ذیل بهره گرفته است:

مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل ادبیات تخصصی موجود در زمینه حضور و مشارکت زنان کادر بهداری رزمی و نیز نیروهای داوطلب این بخش در جریان جنگ تحمیلی.

جامعه آماری کلیه کتب، مقالات و متون تخصصی است که به زبان فارسی درباره زنان امدادگر، پزشک، پرستار و مربی آموزشی انتشار یافته و از طریق منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی در دسترس باشد. هرچند مطالعه کتابخانه‌ای و استفاده از ادبیات موجود سودمند است، اما برای اشراف بیشتر بر مقطع زمانی پژوهش و فضای عمومی آن کتب تاریخی، زندگی‌نامه‌ها، خاطرات و منابعی از این دست مورد مطالعه قرار گرفته و تا حد امکان مجموعه عکس‌های انتشار یافته و تصاویر مرتبط بررسی شده است.

همچنین در جریان انجام پژوهش و اطلاع از کوشش بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس استان یزد در مصاحبه با پرستاران دفاع مقدس و طی رابزنی‌های انجام شده با گردآوردندگان و تنظیم‌کنندگان کتاب پیلده عشق، فایل‌های مصاحبه‌ها در اختیار محقق قرار گرفت. با واکاوی فایل‌ها مشخص شد برخی نقل‌قول‌ها ارزنده و شایسته ارائه و تحلیل است. حال آنکه در آن مجموعه مورد توجه قرار نگرفته و دست‌مایه تألیف نبوده است. لذا این نقل‌قول‌ها در اثر حاضر با ذکر منبع درج و مورد تحلیل قرار گرفت. این مصاحبه‌ها شامل گفت‌وگو با خانم‌ها برخوردار، نقی‌لو، نظریان، کاتبی، محمودآبادی، محقق، سلیمی، دهدشتی، پورناصری، پاریزی و پورداور است.^۱

به علاوه کتاب پروانه‌های سفید که حاصل فعالیت‌های موزه دفاع مقدس در دهه

۱. بدین وسیله مراتب قدردانی خود را از بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس استان یزد و سرکار خانم عابدی به جهت مساعدت و همکاری ابراز می‌دارم.

گذشته بوده است از طریق مؤسسه بهداری رزمی در اختیارم قرار گرفت. با توجه به عدم انتشار عمومی آن، ارجاعات درون‌متنی بر حسب این قالب در دسترس بوده است. پس از مطالعه مجموعه پروانه‌های سفید، با توجه به جایگاه شغلی زنان در استاد مجروحان و مصدومان، مصاحبه تکمیلی با خانم مظفری جهت پاسخ به پرسش‌های بیشتر و پر کردن شکاف اطلاعاتی انجام شد.

مصاحبه نیمه‌سازمان یافته

مصاحبه نیمه‌ساختاریافته روشی پژوهشی است که اغلب در علوم اجتماعی استفاده می‌شود. در حالی که مصاحبه سازمان یافته دارای مجموعه‌ای دقیق از سؤالات است که اجازه انعطاف در مصاحبه را نمی‌دهد. مصاحبه نیمه‌ساختاریافته از نوع مصاحبه باز است که در آن اجازه پرداختن به ایده‌های جدید داده می‌شود. بر این اساس هرچند سؤالات اصلی محور پژوهش کیفی است، اما هر مصاحبه بر حسب یافته‌هایش می‌تواند مضامینی برای طرح سؤال در حین مصاحبه و نیز در مصاحبه‌های بعدی با خود داشته باشد.

فنون و ابزارهای گردآوری داده‌ها

مطالعات کتابخانه‌ای منابع شامل مقالات، کتب، کتب تاریخی، زندگی‌نامه‌ها، خاطرات، عکس‌ها و تصاویر انتشار یافته، نامه‌ها - جست‌وجوی اسناد و متون مرتبط اینترنتی

مصاحبه نیمه‌سازمان یافته

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها هر مصاحبه بارها و بارها شنیده می‌شود تا تم‌های اصلی و ایده‌های فرعی آن دست‌مایه مصاحبه بعدی قرار گیرد. هرچند به صورت تکنیکی هر مصاحبه پیاده و کدگذاری می‌شود، اما مبنای کار لزوماً پرسش‌نامه

واحدی نیست. بلکه هر مصاحبه بر حسب یافته‌های خود، مضامینی را برای طرح سؤال در مصاحبه‌های بعدی دارد.

نمونه

با توجه به آنکه آمار روشن و دقیقی از تعداد زنان فعال در بهداری رزمی وجود نداشت، همچنین بر حسب گذر زمان و مرگ تعدادی، اطلاعات دقیقی از کمیت آنان در دست نبود، برآورد و تعیین نمونه نظری مبتنی بر معیارهای انتزاعی بوده است. این معیارها پیش از گردآوری نمونه، انتخاب و تعیین شد و شامل گذران مدت زمان مشخص در بیمارستان‌های مخصوص رسیدگی به مجروحان نظامی و غیرنظامی جنگی در استان‌های درگیر جنگ، سایر مراکز استانی اصلی و نیز در جریان جنگ شهرها بوده است. در جریان تحقیق معیارهای دیگری هم از جمله دسترسی به نمونه‌ها، نمونه‌های حاضر به همکاری و همچنین دارای قدرت بیان و حافظه در یادآوری وقایع و جزئیات افزوده شدند.

حجم نمونه

ماهیت روش تحقیق که مبتنی بر استقرای تحلیلی است، حجم نمونه را تعیین می‌کند. در حقیقت با توجه به حجم اطلاعات موجود و انتشار یافته از جمله مجلدات حاوی خاطرات زنان امدادگر، پرستار و فعال بهداری رزمی و نیز مصاحبه‌های بسته‌گرفته منتشر شده قابل دسترسی در فضای مجازی، در نهایت با ۱۸ اطلاع‌رسان مصاحبه تکمیلی انجام شد. لازم است اذعان دارم با وجود پیگیری‌های مصرانه و معرفی از سوی معتمدین، عده‌ای از پرستاران، امدادگران و پزشکان حاضر به مصاحبه نشدند. پزشکان فرصت کافی نداشتند، پرستاران و امدادگران نیز به جهت یادآوری تلخی‌های آن دوره و نیز نارضایتی و گله‌مندی از مواجهات سازمانی در حین کار و پس از بازنگشتگی و به‌ویژه به دلیل احساس اجحاف، تمایلی به شرکت در مصاحبه نداشتند.

روش نمونه‌گیری

نمونه‌گیری قضاوتی یا تعمیدی: در این نمونه‌گیری محقق بر اساس دانش و قضاوت صحیح و اتخاذ استراتژی مناسب می‌تواند مواردی را برگزیند که در مجموع معرف جمعیت مورد نظر باشد. یک استراتژی عمومی در این نمونه‌گیری، انتخاب سنجیده واحدها (معمولاً واحدهای مجتمع) به طریقی است که هر یک معرف بخشی از جمعیت باشد (سرایی، ۱۳۷۵: ۹). بر این اساس محقق با توجه به شروطی که پیش‌تر در انتخاب نمونه معرف آمد، با واحدهای مجتمعی که انتظار می‌رفت آنجا نمونه معرف بیشتری را بیابد، از قبیل گروه‌های همکاران، گروه‌های مجازی دوستان هم‌فکر، کنشگران سرشناس زن در ایام جنگ تحمیلی و مواردی از این دست ارتباط برقرار کرد. راهبرد اصلی در این زمینه، نمونه‌گیری گلوله برفی بوده است.

◀ سیمای پاسخ‌گویان

اطلاعات مربوط به اطلاع‌رسانان در جدول ذیل آمده و ما را با برخی ویژگی‌های آنان در ارتباط با تحقیق آشنا می‌سازد.

ردیف	نام اطلاع‌رسان	سال تولد	تحصیلات در مقطع جنگ	شهر محل فعالیت در مقطع جنگ
۱	صدیقه حاج‌هاشمی	۱۳۲۸	لیسانس پرستاری، فوق‌لیسانس هوش‌بری، هیئت‌علمی دانشکده پرستاری دانشگاه علوم پزشکی اهواز	اهواز
۲	ابراهیمی	۱۳۳۷	دیپلم بهیاری	اسلام‌آباد، کرمانشاه
۳	عباس‌زاده	۱۳۳۰	لیسانس پرستاری دانشگاه اهواز	اهواز
۴	اشرف مرتضوی	۱۳۳۲	لیسانس پرستاری	اهواز
۵	مهناز رضانیا	۱۳۳۰	لیسانس پرستاری دانشگاه اهواز	اهواز
۶	کبری شوش	۱۳۲۹	لیسانس پرستاری دانشگاه اهواز	اهواز
۷	آذر افشار	۱۳۴۳	لیسانس پرستاری	کرمانشاه، ارومیه، تهران

۸	انسیه علی بیگی	۱۳۴۲	لیسانس مامایی، پزشکی	قروه، دانشکده تبریز
۹	منیره صادقی	۱۳۴۷	دیپلم	ایلام
۱۰	طاهره طاهری نسب	۱۳۳۲	دانش آموز متوسطه	سرپل ذهاب، قطار هلال احمر
۱۱	مهری مقدم	۱۳۳۰	لیسانس پرستاری دانشگاه اهواز	اهواز
۱۲	فخرالسادات رحمانیان	۱۳۴۱	دیپلم	سرپل ذهاب، اسلام آباد غرب
۱۳	مریم جدلی	۱۳۴۰	دیپلم	سرپل ذهاب، قطار هلال احمر
۱۴	صفوی	۱۳۳۱	لیسانس پرستاری دانشگاه اصفهان	شیراز
۱۵	عذرا حسینی	۱۳۴۳	سیکل	اهواز
۱۶	صدیقه فیاضی	۱۳۳۲	دانشجوی ترم دوم پرستاری دانشگاه اصفهان	آبادان
۱۷	فریده حاجی خانی	۱۳۳۵	دیپلم	سرپل ذهاب
۱۸	اقدس مظفری	۱۳۳۵	دیپلم	تهران

«ملاحظات اخلاقی تحقیق»

محقق متعهد بوده است تا در راستای رعایت اخلاق پژوهش آن چنان که در روش‌های کیفی و مصاحبه توصیه شده، در مقدمه به معرفی پژوهش و اهداف نهایی بپردازد. افراد صاحب اطلاع و واجد شرایط را برای مصاحبه انتخاب کند، ارزش‌ها و نظرات اطلاع‌رسان‌ها را محترم شمرده، از آسیب رساندن به اطلاع‌رسان‌ها در جریان مصاحبه بپرهیزد و پیاده‌سازی با حفظ اصل امانت در نقل قول‌ها صورت گیرد. با موضع‌گیری خود موجب سوگیری جریان مصاحبه نشود. در صورت تمایل اطلاع‌رسان‌ها، نقل قول‌ها را محرمانه نگه داشته، در ارجاع به آن‌ها از ذکر نام و مشخصات هویتی اطلاع‌رسان پرهیز کند.